



مدرسان شریف

فصل اول

«انگیزش: مقدمه و بنیادهای تاریخی»

تعریف انگیزش

اصطلاح انگیزش از فعل لاتین movere به معنی حرکت دادن مشتق شده است. مفهوم کلی جنبش (تحرک) منعکس کننده این تصور عام است که انگیزش چیزی است که ما را به جنبش و تحرک وادار و کمک می‌کند تا تکالیف خود را کامل کنیم. علی‌رغم وجود این مفهوم عام، تعاریف متعددی از انگیزش به عمل آمده و درمورد ماهیت دقیق آن توافق نظر وجود ندارد. در حال حاضر می‌خواهیم بگوییم که انگیزش در قالب نیروهای درونی، صفات پایدار، پاسخ‌های رفتاری به محرک‌ها و مجموعه‌ای از باورها و عواطف مفهوم‌سازی شده است. مفهوم انگیزش کوششی در جهت توضیح چرایی رفتار است. هنگامی که این سؤال را می‌پرسیم که «چرا یک انسان یا حیوان به شیوه خاص رفتار می‌کند؟» «چرا کودک به این موضوع توجه نشان نمی‌دهد؟» «چرا دانش‌آموز روی این درس خاص سرمایه‌گذاری نمی‌کند؟» «چرا این شخص با این شدت در پی این عمل است؟»، در واقع در مورد انگیزش آنها سؤال کرده‌ایم. تعریف عام ارائه شده درباره انگیزش عبارت است از «فرایندی که طی آن فعالیت هدف‌محور برانگیخته و حفظ می‌شود». براساس تعاریف اشاره شده در مورد انگیزش می‌توان گفت:

- ۱- انگیزش یک فرایند است و نه یک فرآورده (محصول).
- ۲- ما نمی‌توانیم انگیزش را مستقیماً مشاهده کنیم؛ اما می‌توانیم آن را از رفتارهایی مانند انتخاب تکالیف، تلاش، استقامت و گفتار فرد استنباط کنیم.
- ۳- انگیزش دربرگیرنده اهدافی است که محرک و جهت عمل آن را فراهم می‌کنند.
- ۴- فرایندهایی هستند که رفتار را نیرومند ساخته و به آن انرژی می‌دهند.
- ۵- فرایندهایی هستند که رفتار را هدایت کرده و به آن جهت می‌دهند.
- ۶- فرایندهایی هستند که باعث نگهداری و تقویت رفتار می‌شوند.
- ۷- وضعیت درونی ذهن یا احساس برانگیخته شده از طریق نیازها یا سائق‌های اصلی است که باعث می‌شود فرد با ایجاد نوعی تنش یا اجبار، به عمل کردن واکنش نشان دهد.
- ۸- این فرایند آمادگی برای پاسخ دادن به شیوه‌ای انتخابی برای رضایت از نیاز مربوط و یک فعالیت هدفدار است که تا رسیدن به هدف دنبال می‌شود. انگیزش، نه تنها باعث شروع رفتار می‌شود بلکه در تداوم، استمرار و حفظ رفتار هم نقش کلیدی دارد.
- ۹- تغییر هدف باعث بروز تغییراتی در ماهیت و شدت انگیزه می‌شود، درحالی‌که دستیابی به هدف به کاهش تنش ناشی از یک انگیزه خاص کمک می‌کند.
- ۱۰- به عنوان یک پاسخ یا تمایل یاد گرفته شده و نیز یک تمایل درونی در نظر گرفته می‌شود.
- ۱۱- سازه‌های فرضی هستند که نظریه‌پردازان برای فهم، تبیین و پیش‌بینی رفتار تدوین کرده‌اند.
- ۱۲- انگیزش، مستلزم فعالیت جسمانی یا ذهنی است. فعالیت جسمانی تلاش، پشتکار و سایر اعمال آشکار را دربرمی‌گیرد. فعالیت ذهنی طراحی، تمرین و تکرار، سازماندهی، نظارت، تصمیم‌گیری‌ها، حل مسائل، سنجش پیشرفت و سایر اعمال شناختی را دربرمی‌گیرد.
- ۱۳- انگیزش می‌تواند بر چیسستی، زمان و چگونگی عملکرد و یادگیری اثر بگذارد. انگیزش با یادگیری و عملکرد رابطه متقابل دارد.



۱۴- فعالیت برانگیخته شده فراخوانده و حفظ می‌شود. آغاز حرکت یک هدف مهم و اغلب دشوار است؛ زیرا مستلزم قبول مسئولیت برای تغییر و برداشت نخستین گام است. اما فرایندهای انگیزشی نسبت به تداوم عمل شدیداً حساس هستند.

کج مثال ۱: کدام گزینه در مورد مؤلفه‌های تعریف انگیزش صحیح نیست؟

- (۱) انگیزش را می‌توان به طور غیرمستقیم و از روی رفتارهای آشکار فرد تشخیص داد.
- (۲) انگیزش نیازمند فعالیت جسمانی و ذهنی است.
- (۳) انگیزش به عنوان فرآورده فعالیت هدف‌محور مطرح می‌شود.
- (۴) انگیزش می‌تواند بر چپستی، زمان و چگونگی عملکرد و یادگیری اثر بگذارد.

✓ پاسخ: گزینه «۳» انگیزش یک فرایند است و نه یک فرآورده یا محصول. طی این فرایند، فعالیت هدف‌محور برانگیخته و حفظ می‌شود.

انگیزه و انگیزش، غالباً به صورت مترادف به کار می‌روند. با این حال، می‌توان انگیزه را دقیق‌تر از انگیزش دانست، به این صورت که انگیزش را عامل کلی مولد رفتار، اما انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار خاص به حساب آورد. اصطلاح انگیزه بیشتر در اشاره به رفتار انسان به کار می‌رود. به نظر راسل، کاربرد اصطلاح انگیزه در مورد حیوانات جایز نیست و اصطلاح غریزه در مورد حیوانات بیشتر می‌تواند به کار رود. برخی هدف‌ها را با انگیزه‌ها یکی می‌دانند، درحالی‌که هدف‌ها جنبه خارجی داشته و انگیزه‌ها جنبه درونی دارند. هدف‌ها از این جهت مورد توجه هستند که وضعیتی را به وجود می‌آورند تا انگیزه‌های فرد را ارضا کنند.

کج مثال ۲: کدام گزینه در مورد مفاهیم انگیزه و انگیزش صحیح است؟

- (۱) مفهوم انگیزه کاملاً معادل با مفهوم انگیزش است.
- (۲) انگیزش، عامل کلی رفتار و انگیزه عامل اختصاصی رفتار است.
- (۳) انگیزش دقیق‌تر از انگیزه است.
- (۴) انگیزه برای اشاره به رفتار انسان و حیوان به کار می‌رود.

✓ پاسخ: گزینه «۲»

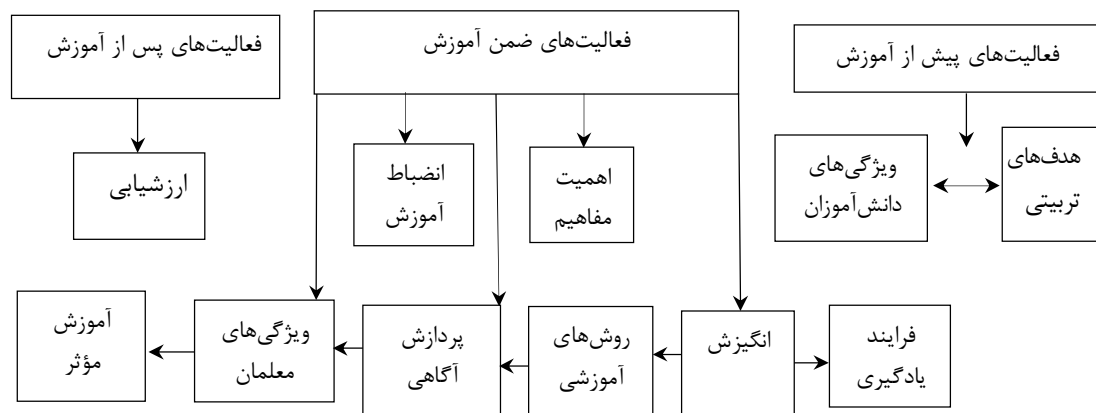
طبقه‌بندی انگیزه‌ها در انسان دشوار و متعدد است. در یک تقسیم‌بندی، انگیزه‌ها را به فطری و اکتسابی نسبت می‌دهند. انگیزه‌های فطری یا اولیه (یا ناآموخته) انگیزه‌هایی هستند که براساس فرآیندهای زیستی - شیمیایی موجود زنده استوارند و اساساً فطری بوده و از یادگیری متأثر نمی‌شوند. گرسنگی، تشنگی و انگیزه جنسی از جمله انگیزه‌های فطری یا اولیه هستند. انگیزه‌های اکتسابی یا ثانویه (یا آموخته شده) انگیزه‌هایی هستند که ظهور آنها تحت‌تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی است و یادگیری در آنها نقش اساسی دارد. پیشرفت، پیوندجویی و قدرت، از جمله نیازها یا انگیزه‌های اکتسابی یا ثانویه هستند. انگیزه‌ها براساس خاستگاه و منشأ آنها به درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. انگیزش درونی، گرایش فطری پرداختن به تمایلات و به کار بردن توانایی‌ها و در انجام این کار، جستجو کردن چالش‌های بهینه و تسلط یافتن بر آنهاست. انگیزش بیرونی از مشوق‌ها و پیامدهای محیطی (تقویت، پاداش و...) ناشی می‌شود که از خود آن فعالیت جداست.

رابطه انگیزش با یادگیری و عملکرد تحصیلی

انگیزش می‌تواند هم بر یادگیری جدید و هم بر عملکرد مهارت‌ها، راهبردها و رفتارهای پیش‌آموخته تأثیر بگذارد. دانش‌آموزانی که برای یادگیری موضوعی برانگیخته می‌شوند، این آمادگی را پیدا می‌کنند به فعالیت‌هایی بپردازند که اعتقاد دارند به یادگیری آنها کمک می‌کند؛ مانند توجه دقیق به آموزش، سازماندهی ذهنی محتوای آموزشی و تکرار و تمرین آنها برای یادگیری، یادداشت برداری برای تحصیل مطالعات بعدی، بررسی سطح درک خود و کمک خواستن از دیگران هنگامی که محتوا یا مطالب آموزشی را درک نمی‌کنند.

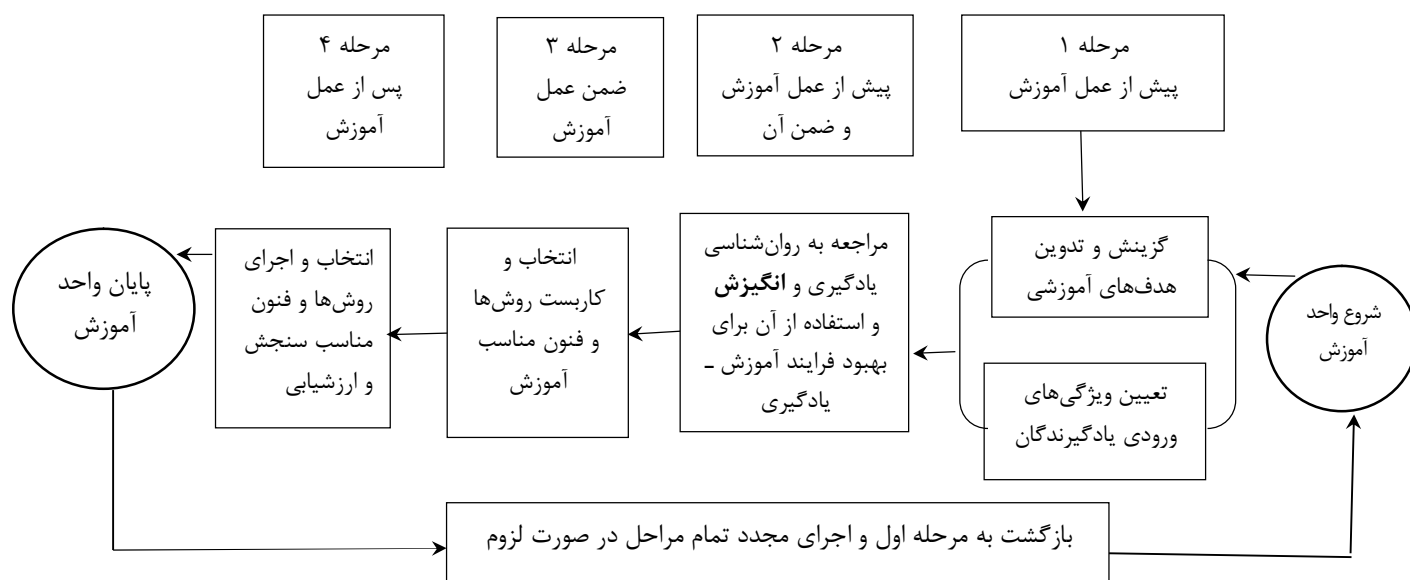
در مقابل، دانش‌آموزان بی‌انگیزه برای یادگیری در تلاش‌های یادگیری خود، نظام‌یافته عمل نمی‌کنند. آنها ممکن است طی تدریس کلاسی بی‌توجه باشند، فاقد سازمان بوده و مطالب درسی را مرور و تکرار نکنند. این گروه امکان دارد نامنظم و بی‌هدف کار کنند یا همه کارهای مرتبط را انجام ندهند؛ ممکن است بر سطح درک خود نظارت نکنند یا هنگامی که مواد تدریس شده را نفهمیده‌اند از دیگران کمک نخواهند.

در شکل ۱-۱ ابعاد یا مراحل سه‌گانه آموزش نشان داده شده است و اهمیت جایگاه انگیزش نیز به عنوان فعالیت‌های ضمن آموزش در فرایند یادگیری به وضوح دیده می‌شود.



شکل ۱-۱ مراحل آموزش

همچنین در شکل ۱-۲، ملاحظه می‌شود که در مرحله دوم یا فعالیت‌های پیش از عمل آموزشی و ضمن آن به روان‌شناسی انگیزش و یادگیری مراجعه می‌شود.



شکل ۱-۲ الگوی عمومی آموزش

کج مثال ۳: بررسی روان‌شناسی انگیزش در کدام مرحله از الگوی عمومی آموزش مدنظر قرار می‌گیرد؟

- (۱) پیش از عمل آموزش
 (۲) پیش از عمل آموزش و ضمن آن
 (۳) ضمن عمل آموزش
 (۴) پس از عمل آموزش

✓ پاسخ: گزینه «۲» (شکل ۱-۲) (الگوی عمومی آموزش) را ملاحظه کنید.

سطح انگیزش

انگیزش در دو سطح قابل بررسی است: عمومی و اختصاصی. به گفته «بروفی»، انگیزش عمومی برای یادگیری، گرایش بادوام و گسترده برای تلاش در کسب دانش و تسلط بر مهارت‌های مربوط به یادگیری است. این معنای انگیزش با مفهوم سازندگی اریکسون همخوانی دارد. جنبه «بادوام بودن» بسیار مهم است؛ زیرا هنگامی که انگیزش عمومی ایجاد شود، در طول دوره مدرسه، در دانشگاه، در محیط کار و موقعیت‌های زندگی واقعی ادامه خواهد یافت. ویژگی «گسترده» حائز اهمیت است؛ زیرا انگیزش عمومی نقش میانبر زدن را در برنامه درسی دارد، هرچند ممکن است از یک کلاس تا کلاس دیگر تفاوت داشته باشد. انگیزش مثبت نوعاً فراتر از یک موضوع کلاسی خاص است.



انگیزش اختصاصی برای یادگیری، به یادگیری یک درس خاص از سوی دانش‌آموز نیرو می‌دهد و معمولاً وابسته به عوامل بیرونی است. تفاوت این دو نوع انگیزش در این است که انگیزش عمومی در درون دانش‌آموز است و حاصل تاریخچه درازی از تجربیات با مدرسه و کلاس درس است؛ اما انگیزش اختصاصی بیشتر به معلم و محتوای درس بستگی دارد. این انگیزه بیشتر در کنترل معلم است و می‌توان آن را با به کار بردن راهبردهای خاص تغییر داد. انگیزش عمومی اگرچه غیرقابل تغییر نیست، وقت و تلاش بیشتری را می‌طلبد تا تغییر کند. این شباهت‌ها و تفاوت‌ها در جدول زیر آمده است.

نوع انگیزش	منبع	میزان ثبات
انگیزش عمومی	خودیادگیرنده	ثابت در طول زمان
انگیزش اختصاصی	معلم و موضوع درس	ناپایدار- بستگی به معلم و موضوع دارد

کج مثال ۴: گرایش بادوام و گسترده برای تلاش در جهت کسب دانش و تسلط بر مهارت‌های مربوط به یادگیری، تحت چه عنوانی مطرح می‌شود؟

(۱) انگیزش عمومی (۲) انگیزش اختصاصی (۳) انگیزش عملی (۴) انگیزش اجتماعی

پاسخ: گزینه «۱» انگیزش عمومی، وقتی ایجاد شود در طول دوره مدرسه، در دانشگاه، در محیط کار و موقعیت‌های زندگی واقعی، ادامه خواهد یافت.

کنش‌های انگیزش

روان‌شناسان بر این باورند که انگیزه‌ها، سه کنش یا عمل مهم انجام می‌دهند:

۱- تأمین انرژی ۲- انتخاب پاسخ ۳- توجه و راهنمایی رفتار

۱- تأمین انرژی: انگیزه‌ها انرژی لازم رفتار را تأمین می‌کنند و فرد را به فعالیت وادار می‌سازند. وقتی موجود زنده به علت ارضا نشدن یک انگیزه دچار اضطراب و هیجان می‌شود، این هیجان نه تنها او را به فعالیت برمی‌انگیزد، بلکه او را تا رسیدن به هدف (ارضای نیاز) همچنان فعال نگه می‌دارد. بنابراین هرگاه یادگیری موضوعی مورد نیاز دانش‌آموزان باشد، همیشه آنها را به فعالیت برمی‌انگیزد و هرچه بیشتر فعالیت می‌کنند بیشتر لذت می‌برند؛ زیرا به هدف خود نزدیک می‌شوند.

۲- انتخاب پاسخ: انگیزه‌ها سبب می‌شوند که فرد از میان پاسخ‌ها یا فعالیت‌های گوناگون، موردی را برگزیند که موجب ارضای انگیزه موجود می‌شود؛ مثلاً کسی که بیشتر زیبایی دوست است، در هر چیز به جنبه زیبایی آن بیشتر توجه می‌کند. رفتار انسان جنبه انتخابی دارد، چنان‌که وقتی کتابی را برای منظور خاصی می‌خوانیم، ابتدا عبارت‌های مربوط به آن منظور و هدف را ملاحظه می‌کنیم و ادراک‌ها نسبت به قسمت‌های دیگر کتاب، یک ادراک سطحی است و هنگامی که ماده مربوط به موضوع یا مسئله معینی را در آن جستجو می‌کنیم، فقط اجزای مربوط به موضوع را به دقت می‌خوانیم.

۳- توجه و راهنمایی رفتار: فقط فعال بودن شخص کافی نیست، بلکه مهم‌تر و بارزتر این است که آن فعالیت به یک هدف معین متوجه باشد. می‌توان گفت علت اینکه بیشتر فعالیت‌های درسی در مدارس ما نتیجه نمی‌دهند، همین معلوم و روشن نبودن هدف‌های دروس برای معلمان و دانش‌آموزان است. یعنی یادگیری وقتی سودمند خواهد شد که با کوشش مداوم برای رسیدن به یک هدف معین و روشن همراه باشد. بنابراین دانش‌آموزان و دانشجویان باید بین خواننده‌ها و هدف نهایی خود ارتباط برقرار کنند و معلم نیز فایده عملی آنچه که دانش‌آموزان و دانشجویان می‌خواهند یاد بگیرند را برایشان روشن و معلوم نماید.

کج مثال ۵: کدام گزینه جزء کنش‌های انگیزش به شمار نمی‌رود؟

(۱) تأمین انرژی (۲) انتخاب پاسخ (۳) انتخاب هدف (۴) وجه و راهنمایی رفتار

پاسخ: گزینه «۳» طبق نظر محققان، انگیزه‌ها سه کنش مهم انجام می‌دهند: ۱- تأمین انرژی، ۲- انتخاب پاسخ، ۳- توجه و راهنمایی رفتار.

شاخص‌های انگیزش

بیشتر متخصصان موافق‌اند که وجود انگیزش از شاخص‌های رفتاری نشان داده شده در جدول زیر قابل استنباط است.



شاخص (نشانگر)	ارتباط با انگیزش
انتخاب تکالیف	انتخاب تکلیف در شرایط آزادانه، شاخص انگیزش برای عملکرد است.
تلاش	تلاش زیاد - به‌ویژه روی مواد درسی دشوار - شاخص انگیزش است.
پشتکار (مداومت)	کار طولانی مدت - به‌ویژه وقتی که فرد با موانع مواجه می‌شود - با انگیزش بالا ارتباط دارد.
پیشرفت	انتخاب، تلاش، پافشاری و پشتکار، پیشرفت در انجام تکلیف را افزایش می‌دهند.

یک شاخص انتخاب تکالیف یا علائق است. وقتی دانش‌آموزان انتخابی می‌کنند، انتخاب آنها نشان‌دهنده وضع انگیزشی آنها است. این موضوع شاخص مهمی برای معلم است. آنچه دانش‌آموزان درون مدرسه و در وقت آزاد خارج از مدرسه انجام می‌دهند (یا می‌گویند که انجام می‌دهند) و می‌توانند از بین فعالیت‌ها انتخاب کنند، نشانگر علاقه آنها است.

شاخص دوم تلاش است. یادگیری غالباً آسان نیست. برای تکالیف حرکتی، تلاش فیزیکی است. زمانی که موضوع یادگیری مهارتی است، تلاش شناختی شاخص مناسبی برای انگیزش به‌شمار می‌رود. سودمندی تلاش به‌عنوان شاخص انگیزش فقط محدود به مهارت‌ها است؛ زیرا همچنان که مهارت افزایش می‌یابد، فرد می‌تواند با تلاش کمتر عملکرد بهتری داشته باشد.

پشتکار (مداومت) یا صرف زمان برای انجام دادن تکلیف، شاخص سوم به‌شمار می‌رود. پشتکار به دلیل اینکه یادگیری اساساً کاری زمان‌بر است و لزوماً موفقیت را به همراه ندارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. پژوهشگران عموماً از پشتکار به عنوان یک سنجه انگیزش بهره می‌گیرند. همانند تلاش، سودمندی پشتکار به عنوان یک سنجه، فقط به مهارت محدود است. همچنان که مهارت‌های دانش‌آموزان بهبود و ارتقا پیدا می‌کند، آنها می‌توانند کار خود را به صورت بهتر و در زمان کمتر انجام دهند. پشتکار هنگام یادگیری و برخورد با موانع مهم‌ترین عامل به‌شمار می‌رود.

در نهایت، پیشرفت دانش‌آموزان را می‌توان به عنوان یک شاخص غیرمستقیم انگیزش در نظر گرفت. احتمالاً دانش‌آموزانی که درگیر شدن در یک تکلیف را انتخاب می‌کنند و تلاش خود را افزایش می‌دهند و پشتکار دارند، به سطوح بالاتر پیشرفت دست می‌یابند. «شانک» دریافت که هرچه کودکان مسائل بیشتری را طی آموزش حل کنند (که منعکس‌کننده تلاش و پشتکار است)، مسائل بیشتری را هنگام پس‌آزمون یا آزمون نهایی به درستی حل می‌کنند (یک سنجه پیشرفت).

که مثال ۶: کدام مورد به عنوان شاخص انگیزش محسوب نمی‌شود؟

- (۱) انتخاب تکالیف (۲) تلاش (۳) پاداش (۴) پشتکار

پاسخ: گزینه «۳» شاخص‌های انگیزش عبارتند از: انتخاب تکالیف، تلاش، پشتکار و پیشرفت

که مثال ۷: سودمندی کدام شاخص‌های انگیزش، فقط محدود به مهارت‌ها است؟

- (۱) انتخاب تکالیف / تلاش (۲) تلاش / پشتکار (۳) پشتکار / پیشرفت (۴) انتخاب تکالیف / پیشرفت

پاسخ: گزینه «۲» همچنان که مهارت‌های دانش‌آموزان، بهبود و ارتقا پیدا می‌کند آنها می‌توانند کار خود را به صورت بهتر و در زمان کمتر انجام دهند.

مشکلات انگیزشی مانند نشانه‌های سرماخوردگی به شکل‌ها و اندازه‌های مختلفی بروز می‌کند، اما معمولاً ترکیبی از مشکلات بیشتر شایع است. هنگامی که جهت‌گیری‌های انگیزشی دانش‌آموزان با معلمان ناهمساز می‌شود، آنها معمولاً در سطح توانایی‌هایشان عمل نمی‌کنند. به این دانش‌آموزان «کم‌آموزان» می‌گویند، زیرا آنها در آن نوع از فعالیت‌های یادگیری که باعث افزایش یادگیری می‌شود درگیر نمی‌شوند. مشکلات انگیزشی صرف‌نظر از علل آنها معمولاً در رفتار دانش‌آموز ظاهر می‌شوند.

«مائر» پنج الگوی رفتاری را که می‌توانند به‌عنوان شاخص‌های انگیزشی مربوط به یادگیری مورد استفاده قرار گیرند، توصیف می‌کند:

۱- جهت توجه و فعالیت

مائر عقیده دارد که «جهت توجه و فعالیت» فرد به انگیزش مربوط می‌شود. وقتی که افراد به چیزی توجه می‌کنند و یا تکلیفی را برای انجام دادن انتخاب می‌کنند، با توجه به این الگو دارای انگیزش هستند.



۲- پافشاری

طول مدتی را که یک شخص در یک فعالیت درگیر می‌شود، اغلب به‌عنوان یک شاخص رفتاری برای انگیزش او محسوب می‌شود.

۳- سطح فعالیت

سطح فعالیت فرد یک شاخص رفتاری انگیزش است. افراد می‌توانند از روی علاقه یا از روی بی‌علاقگی روی تکلیفی کار کنند. سطح فعالیت نیز به سطح انگیزش افراد مربوط می‌شود.

۴- انگیزش مداوم

افرادی که بدون وجود مشوق‌های بیرونی آشکار مجدداً به انجام کار روی می‌آورند و افرادی که به میل خودشان تکلیف انجام می‌دهند به نظر می‌رسد که بسیار برانگیخته هستند.

۵- عملکرد

عملکرد، تا اندازه‌ای پیامد چهار عامل توصیف شده در بالاست. دانش‌آموزی که با علاقه روی تکلیف کار می‌کند، وقتی که تکلیف دشوار باشد پافشاری می‌کند و بدون وجود مشوق‌های بیرونی درگیر تکلیف می‌شود. این دانش‌آموز بدون شک نسبت به دانش‌آموزی که از تکالیف اجتناب می‌ورزد، کارها را از روی بی‌علاقگی انجام می‌دهد یا به آسانی دست از کار می‌کشد، یادگیری و عملکرد بهتری خواهد داشت. به هر حال، یک رابطه کامل بین انگیزش و عملکرد وجود ندارد؛ بعضی از دانش‌آموزان بدون تلاش زیاد عملکرد خوبی دارند و بعضی نیز علی‌رغم تلاش زیاد عملکرد پایین دارند؛ بنابراین بین انگیزش و عملکرد باید تمایز قائل شد. درواقع، هم دانش‌آموزان دارای عملکرد بالا و هم دانش‌آموزان دارای عملکرد پایین، باید برای مشکلات انگیزشی مورد توجه و بررسی قرار گیرند.

کج مثال ۸: به لحاظ انگیزشی به کدام دسته از افراد، عنوان «کم‌آموزان» داده می‌شود؟

- (۱) افرادی که در سطح توانایی‌شان عمل نمی‌کنند. (۲) افرادی که سطح هوشی پایینی دارند.
(۳) افرادی که دچار اختلال یادگیری هستند. (۴) افرادی که فقط تحت تأثیر مشوق‌های بیرونی می‌آموزند.

پاسخ: گزینه «۱» هنگامی که جهت‌گیری‌های انگیزشی دانش‌آموزان با جهت‌گیری‌های معلمان، ناهم‌ساز می‌شود، آنها معمولاً در سطح توانایی‌هایشان عمل نمی‌کنند. به این دانش‌آموزان «کم‌آموزان» می‌گویند، زیرا در آن نوع از فعالیت‌های یادگیری که باعث افزایش یادگیری می‌شود، درگیر نمی‌شوند.

کج مثال ۹: افرادی که بدون وجود مشوق‌های بیرونی مجدداً به انجام کار روی می‌آورند و به میل خودشان تکلیف انجام می‌دهند نمایانگر کدام شاخص رفتاری انگیزش هستند؟

- (۱) جهت توجه (۲) پافشاری (۳) انگیزش مداوم (۴) سطح فعالیت

پاسخ: گزینه «۳» ویژگی‌های ذکر شده در صورت سؤال، بیانگر انگیزش مداوم است.

انگیزش و مشکلات آن در دوره‌های تحصیلی مختلف

علل کم‌آموزی در اوایل دوره ابتدایی (مثل آمادگی و کلاس اول) نسبت به سال‌های بعدی متفاوت است. شکست بیشتر کودکان کم‌سن‌وسال در انجام مؤثر تکلیف مدرسه، نارسیدگی و اجتماعی شدن ضعیف است. این کودکان معمولاً در موقعیت‌های تحصیلی تجربه ندارند. بعضی از آنها بیش از چند دقیقه نمی‌توانند پشت میز بنشینند یا خیلی از آنها حواس‌پرت هستند؛ به این دلیل که به احاطه شدن توسط کودکان دیگر یا فعالیت‌های زیاد عادت ندارند یا به دلیل اینکه به مشکلات توجه دارند که می‌تواند ناشی از نارسیدگی آنها باشد. بعضی از کودکان روی تکالیف مدرسه کار نمی‌کنند؛ زیرا هنوز متقاعد نشده‌اند که کارکردن روی تکالیفی که معلم تعیین می‌کند مهم است. آنها ترجیح می‌دهند روی تکالیفی کار کنند که خودشان انتخاب می‌کنند. برای بعضی از دانش‌آموزان، پذیرش آموزش ترمی به جای فعالیت اختیاری نیاز به زمان دارد. اگر چه کودکان در سال‌های اولیه در پیروی از دستورات و انجام تکالیف مشکلاتی دارند، تقریباً همه آنها یادگیرندگان مشتاق و دارای اعتماد به نفس هستند. نوعاً کودکان کم‌سن‌وسال، سطوح بالایی (و گاهی غیرواقعی) از اعتماد به نفس دارند. از کلاس اول و سوم به بعد، بعضی از

دانش‌آموزان کم‌کم اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند، در زمینه‌های یادگیری مضطرب می‌شوند و در نتیجه، درگیر فعالیت‌هایی می‌شوند که به عوض تسهیل و یادگیری از یادگیری جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب، اگرچه انواع مشکلات سازگاری بسیاری از کودکان کم‌سن‌وسال با گذشت زمان و کسب تجربه در موقعیت مدرسه از بین می‌رود، لیکن مشکلات دیگری ظاهر می‌شوند.

اگر مشکلات انگیزشی در دوره دبیرستان مورد توجه قرار نگیرند، می‌توانند برای رفتار و یادگیری افراد، پیامدهای جدی به بار آورند. در سال‌های اولیه تحصیلی، دانش‌آموزان در برنامه درسی خود حق انتخاب کمتری دارند؛ چون آنها نمی‌توانند از تکالیف زیاد فرار کنند، مشکلات انگیزشی آنها غالباً به صورت تلاش کم، کم‌توجهی، اضطراب زیاد و برون‌ریزی ظاهر می‌شود. در دوره دبیرستان، دانش‌آموزان در تعیین نوع و سطح دشواری دروسشان حق انتخاب دارند و حتی می‌توانند تمام دوران تحصیل را در یک رشته ادامه دهند. دانش‌آموزان بزرگ‌تر حتی می‌توانند تغییر رشته داده یا حتی از مدرسه ترک تحصیل کنند، بنابراین درحالی‌که کودک کم‌سن‌وسال در درس ریاضی اعتماد به نفس ندارد ممکن است انجام تکالیف ریاضی را فراموش کند، دانش‌آموز بزرگ‌تر ممکن است که درس ریاضی را انتخاب نکند یا اگر اعتماد به نفس کودک بزرگ‌تر خیلی پایین باشد، از مدرسه ترک تحصیل کند. همان‌طور که حق انتخاب افزایش می‌یابد، روش‌های مقابله با مشکلات انگیزشی اغلب شدیدتر می‌شوند. به همین دلیل، بهتر است که از ابتدا در دوره‌های تحصیلی پایین از رشد مشکلات انگیزشی پیشگیری و در صورت بروز به سرعت آنها را حل کرد.

کج مثال ۱۰: شکست بیشتر کودکان کم‌سن‌وسال در انجام مؤثر تکالیف مدرسه، به چه علت است؟

- (۱) عدم اعتماد به نفس
(۲) نارسیدگی و اجتماعی شدن ضعیف
(۳) بروز اضطراب و هیجانات منفی
(۴) اهمال کاری و تلاش کم

پاسخ: گزینه «۲» شکست بیشتر کودکان کم‌سن‌وسال در انجام مؤثر تکالیف مدرسه، نارسیدگی و اجتماعی شدن ضعیف است. این کودکان معمولاً در موقعیت‌های تحصیلی تجربه ندارند. بعضی از آنها بیش از چند دقیقه نمی‌توانند پشت میز بنشینند یا خیلی از آنها حواس‌پرت هستند؛ به دلیل اینکه به احاطه شدن توسط کودکان دیگر یا فعالیت‌های زیاد عادت ندارند یا به دلیل اینکه به مشکلات توجه دارند که می‌تواند ناشی از نارسیدگی آنها باشد.

روش‌های سنجش انگیزش

انگیزش را می‌توان با استفاده از روش‌های متنوع مانند مشاهده‌های مستقیم، درجه‌بندی توسط دیگران و خودگزارش‌دهی‌ها اندازه گرفت.

مشاهدات مستقیم

مشاهده‌های مستقیم به نمونه‌های رفتاری انتخاب تکالیف، اختصاص کوشش و پشتکار اطلاق می‌شوند. این رفتارها نشانگرهای معتبر انگیزش هستند و این اعتبار تا زمانی وجود دارد که مشاهده‌ها ساده و خالص بوده و از مداخله‌های شخصی مشاهده‌گر در امان باشند. با این حال، تمرکز صرف بر اعمال آشکار ممکن است به سطحی شدن مشاهدات انجامیده و نتواند مشاهده‌گر را به ریشه و اساس انگیزش برساند. مشاهدات مستقیم، فرایندهای شناختی و عاطفی زیربنایی رفتار برانگیخته را نادیده می‌گیرند؛ به‌عنوان مثال، چند نفر از دانش‌آموزان ممکن است سطوح نسبتاً بالای تلاش را نشان بدهند، اما دلایل هرکدام برای تلاش کردن کاملاً متفاوت باشد. این دلایل بیانگر فرایندهای عاطفی و شناختی مهمی هستند که پژوهشگران انگیزش، تلاش دارند آنها را درک کنند.

درجه‌بندی توسط دیگران

روش دیگر اندازه‌گیری این است که مشاهده‌گران (مانند معلمان، والدین و پژوهشگران) ویژگی‌های مختلف دانش‌آموزان را که انگیزش آنها است درجه‌بندی کنند (به عنوان مثال، آیا یک دانش‌آموز بیشتر ترجیح می‌دهد که کتاب بخواند یا با کامپیوتر کار کند؟ یک فرد چقدر برای حل مسائل دشوار تلاش می‌کند؟).

یک امتیاز رتبه‌بندی توسط دیگران این است که امکان دارد مشاهده‌گران در مورد دانش‌آموزان عینی‌تر عمل کنند تا دانش‌آموزان در مورد خودشان (یعنی در خودگزارش‌دهی). غالباً در رتبه‌بندی توسط دیگران تلاش می‌شود تا فرایندهای انگیزشی که بنیاد رفتارها هستند تعیین شوند و لذا داده‌هایی از این ابزار به دست می‌آید که از مشاهدات مستقیم قابل حصول نیستند. درعین‌حال، رتبه‌بندی‌ها توسط دیگران بیش از



مشاهدات مستقیم نیازمند استنباط است. قضاوت در مورد سطوح درگیری شناختی، علاقه به یادگیری و امثالهم دشوار است. ضمن اینکه در رتبه‌بندی دیگران، مشاهده‌گر ناچار است آنچه را دانش‌آموزان انجام می‌دهند به خاطر بسپارد. از آنجا که حافظه به‌صورت انتخابی و سازنده عمل می‌کند، امکان دارد رتبه‌بندی‌ها شاخص‌های معتبری برای ویژگی‌های دانش‌آموزان نباشند. با وجود این، رتبه‌بندی توسط دیگران، معمولاً در پژوهش روی انگیزش مورد استفاده قرار گرفته و یافته‌های آن به بخشی از اطلاعات که از طریق مشاهده مستقیم قابل دستیابی است افزوده می‌شود.

خودگزارش‌دهی

خودگزارش‌دهی دربرگیرنده قضاوت و بیانات افراد درمورد خودشان است. پرسشنامه‌ها، مصاحبه‌ها، یادآوری‌های برانگیخته شده، تفکر با صدای بلند و گفتگوها انواع ابزارهای خودگزارش‌دهی هستند که از مصنوعی به طبیعی مرتب شده‌اند. پرسشنامه‌ها مواد یا پرسش‌هایی به فرد ارائه داده و درباره اعمال و باورهایش از او سؤال می‌کنند. امکان دارد از پاسخ‌گویان در مورد انواع فعالیت‌هایی که در آن درگیر می‌شوند و میزان و مدت آن سؤال شود. آنها معمولاً احساسات و باورهای خود را روی مقیاس‌های عددی درجه‌بندی می‌کنند یا به سؤال‌های باز پاسخ (تشریحی)، جواب می‌دهند. در آزمون فرافکن که نوع خاصی از پرسشنامه است تصاویری مبهم و نامشخص به افراد ارائه می‌شود و آنها باید به پرسشنامه یا مصاحبه مربوط پاسخ دهند. آزمون‌های فرافکن بر این فرض استوارند که مردم تحت تسلط ویژگی‌های شخصیتی و تخیلات و انگیزه‌های اساسی خود قرار دارند. ارائه تصاویر و مواد مبهم به آنها موجب کاهش گرایش‌های عینی شده و اجازه می‌دهد تا به صورت نیمه‌هشیار، انگیزه‌ها و تخیلات خود را به موقعیت فرافکنی کنند. پاسخ‌ها برای تعیین نوع و قدرت انگیزه‌های اساسی ثبت و نمره‌گذاری می‌شوند. آزمون اندریافت موضوع (TAT) که با هدف مطالعه شخصیت طراحی شده بود، سنجه فرافکن معروفی است که برای سنجش انگیزش پیشرفت مورد استفاده قرار می‌گیرد. بیشتر پژوهش‌های اخیر پیشنهاد می‌کنند که سنجه‌های TAT انگیزه‌های ضمنی را می‌سنجد، درحالی‌که اندیشه‌های شناختی‌تر یا هشیارتر را که محققان، انگیزه‌های خوداسنادی می‌نامند، پرسشنامه‌های خودگزارشی به بهترین شکل می‌سنجند.

مصاحبه

نوعی از پرسشنامه است که در آن مصاحبه‌گر، پرسش‌ها یا نکاتی را به پاسخگو ارائه می‌دهد و او به صورت شفاهی پاسخ می‌گوید. طی مصاحبه، بافت‌های یادگیری متفاوت توصیف می‌شوند و دانش‌آموزان برای هر بافت، روش‌های مورد استفاده خود را مشخص می‌کنند. در یادآوری برانگیخته شده افراد روی تکلیفی کار می‌کنند و از عملکردشان فیلم‌برداری می‌شود. سپس آنها به نوارها نگاه می‌کنند و تلاش می‌کنند تا افکار خود را درباره نکات مختلف به یاد آورند. در یادآوری برانگیخته شده از طریق پیوند زدن افکار به رفتارهای خاص، نیازی به اعمال فشار بر آزمون‌شوندگان برای قضاوت درمورد رفتارهای معمول‌شان نیست. در عین حال، چون بر خاطرات پاسخ‌گویان استوار است، اگر با فاصله زمانی زیاد از فیلم‌برداری انجام گیرد، افراد ممکن است در یادآوری مطالب موردنظر مشکل داشته باشند.

تفکر با صدای بلند

به این معناست که دانش‌آموزان در حین کار روی یک تکلیف، افکار، اعمال و هیجان‌های خود را با صدای بلند بیان کنند. مشاهده‌گران، کلامی‌سازی را ثبت و برای تعیین وجود بیانات مرتبط با انگیزش نمره‌گذاری می‌کنند.

گفتگو

مکالمه‌ای بین دو یا چند شخص است. پژوهشگر ممکن است همچنان که دانش‌آموزان روی یک تکلیف کار می‌کنند یا معلم و دانش‌آموزان روی موضوعی بحث می‌کنند، مکالمه را ثبت کند و برای تعیین بیانات انگیزشی تحلیل کند.

هیچ سنجه خودگزارش‌دهی به خودی خود بهترین ابزار به‌شمار نمی‌آید. انتخاب ابزار باید هماهنگ و متناسب با هدف اندازه‌گیری و مسئله پژوهشی باشد. پرسشنامه‌ها برای پوشش دادن به موضوعات (موارد درسی) زیادی تا حدی کارآمد و مناسب هستند. اگر پژوهشگران به بررسی عمیق احساسات و باورها علاقه‌مند باشند، مصاحبه‌ها ابزار بهتری هستند. روش‌های فرافکن به افراد امکان می‌دهند تا به صورت نیمه‌هشیار انگیزه‌ها و تخیلات خود را به موقعیت آزمون فرافکنی کنند. در تکلیف یادآوری برانگیخته شده از افراد خواسته می‌شود تا افکاری را که به هنگام کارکردن داشته‌اند یادآوری کنند. در مقابل، روش فکرکردن با صدای بلند افکار فعلی (در حال حاضر / موجود) را آزمون می‌کند. گفتگوها فرصت‌های منحصر به فردی برای بررسی الگوهای تعامل فراهم می‌آورند.

کدام دسته از آزمون‌ها بر این فرض استوارند که مردم تحت تسلط ویژگی‌های شخصیتی و تخیلات و انگیزه‌های اساسی خود قرار دارند؟

- (۱) آزمون هوشی (۲) آزمون استعداد (۳) آزمون پیشرفت (۴) آزمون‌های فرافکن

پاسخ: گزینه «۴» در آزمون‌های فرافکن، ارائه تصاویر مبهم به افراد، موجب کاهش گرایش‌های عینی شده و اجازه می‌دهد تا به صورت نیمه‌هشیار انگیزه‌ها و تخیلات خود را به موقعیت فرافکنی کنند.

کدام شیوه سنجش انگیزش، افراد با نگاه کردن به نوارهای فیلمبرداری شده از کارهای خود، تلاش می‌کنند تا افکار خود درباره نکات مختلف را به یادآورند؟

- (۱) آزمون فرافکن (۲) شیوه یادآوری برانگیخته شده (۳) شیوه تفکر با صدای بلند (۴) شیوه مشاهدات مستقیم

پاسخ: گزینه «۲» در شیوه یادآوری برانگیخته شده، افراد روی تکالیفی کار می‌کنند و از عملکردشان فیلم‌برداری می‌شود. سپس افراد با نگاه کردن به آن فیلم‌ها تلاش می‌کنند تا افکار خود درباره نکات مختلف را به یاد آورند.

نظریه‌های تاریخی انگیزش

نظریه‌های رفتاری و شناختی

فرایندی که به واسطه آن انگیزش رخ می‌دهد موضوعی اساسی به شمار می‌رود. نظریه‌های رفتاری انگیزش را تغییر در نرخ، فراوانی وقوع یا شکل رفتار (پاسخ) می‌دانند که تابعی از رویدادها و محرک‌های محیطی است. بیشتر دیدگاه‌های تاریخی انگیزش رفتارگرا هستند، چون آنها انگیزش را در قالب پدیده‌های قابل مشاهده تشریح می‌کردند.

در مقابل، نظریه‌های شناختی بر نقش علی ساختارهای ذهنی، پردازش اطلاعات و باورها تأکید می‌کنند. اگرچه نظریه‌های شناختی در اهمیت فرایندهای شناختی متفق‌القول هستند، توافقی در مورد اینکه فرایند مهم است وجود ندارد.

کدام مثال از نظر یک رفتارگرا، انگیزش توسط چه چیزی تعریف می‌شود؟

- (۱) نرخ رفتار (۲) علت رفتار (۳) پردازش رفتار (۴) ارزش رفتار

پاسخ: گزینه «۱» نظریه‌های رفتاری، انگیزش را تغییر در نرخ، فراوانی وقوع یا شکل رفتار می‌دانند. بالا رفتن احتمال وقوع پاسخ به محرک در آینده، تابعی است از اینکه تا چه حد پاسخ با محرک همراه می‌شود یا اینکه وقوع آن چه چیزی را به همراه خواهد داشت.

کدام نظریه‌های انگیزشی بر نقش علی ساختارهای ذهنی، پردازش اطلاعات و باورها تأکید می‌کنند؟

- (۱) رفتاری (۲) روان تحلیل‌گری (۳) شناختی (۴) اجتماعی

پاسخ: گزینه «۳» از دید نظریه‌های شناختی، انگیزش حالتی درونی است. ما آن را مستقیماً مشاهده نمی‌کنیم بلکه نتایج (بازده‌های) آن را مشاهده می‌کنیم.

در آغاز قرن بیستم، انگیزش همانند امروز موضوع مطالعاتی مجزایی نبود. انگیزش در قالب دو مفهوم (۱) اراده / خواست و (۲) غرایز بررسی می‌شد.

اراده / خواست

خواست منعکس‌کننده میل، خواسته یا هدف شخصی است و اراده عمل استفاده از خواست است. در میان روان‌شناسان و فلاسفه در مورد اینکه اراده یک فرایند مستقل است یا اینکه محصول سایر فرایندهای ذهنی (احساسات، ادراکات) است توافقی وجود ندارد. وونت، جیمز و آش از جمله افرادی بودند که در این باره نظریه‌پردازی کرده‌اند. به‌طور کل، اراده دیدگاه ناقصی در مورد انگیزش ارائه می‌داد؛ زیرا محدود به اجرای اعمالی می‌شود که برای رسیدن به هدف مطرح شده بودند. چگونگی تدوین اهداف توسط انسان‌ها مورد غفلت قرار گرفته یا بی‌اهمیت انگاشته شده بود.



غرایز

دیگر دیدگاه اولیه انگیزشی بر غرایز یا تمایلات فطری تأکید داشت که خود را در رفتار نشان می‌دهند (مثل رقابت، تقلید، خشم، نفرت، همدردی). «مک‌دوگال» معتقد بود که تمام رفتارها غریزی هستند. وی اعتقاد داشت اهداف (موضوع‌های) راه‌اندازی غرایز می‌توانند تغییر کنند. به عنوان مثال، از طریق پیوند زدن فعالیت‌های مدرسه به اهداف یا رویدادهایی که کنجکاوی کودکان را برمی‌انگیزند، در نهایت خود فعالیت‌ها می‌توانند غریزه کنجکاوی را برانگیزانند. وقتی چند غریزه همزمان فعال می‌شوند آنها می‌توانند تغییر کنند که در این حالت غریزه حاصل نمایانگر یک ترکیب است. مثلاً کنجکاوی در مدرسه اگر با اضطراب یادگیری همراه شود، منعکس کننده نوعی ناهماهنگی است. با اینکه نظریه‌های غریزه جذاب هستند، اما به لحاظ علمی، طبقه‌بندی همه رفتارها به عنوان رفتار غریزی، کم اهمیت انگاشتن نقش یادگیری است و مشخص نیست غریزه کجا پایان می‌پذیرد و یادگیری کجا آغاز می‌شود. یک نظریه کامل انگیزش باید بتواند علل عمل، عوامل متعامل با آن و نحوه تغییر آن را تعیین کند.

کلمه مثال ۱۵: کدام محقق عقیده داشت که تمام یادگیری‌ها غریزی هستند؟

- (۱) جیمز (۲) وونت (۳) مک دوگال (۴) آش

پاسخ: گزینه «۳» مک دوگال معتقد بود تمام رفتارها غریزی هستند. غریزه، آمادگی برای عمل به طرق خاص نیست، بلکه عناصر شناختی، عاطفی و عملی را دربرمی‌گیرد. عنصر شناختی به آگاهی از روش‌های ارضای غرایز برمی‌گردد. عنصر عاطفی به هیجان‌های ناشی از غریزه اشاره دارد و عنصر عملی، تلاش برای رسیدن به موضوع (هدف) غریزه است.

نظریه فروید

«فروید» انگیزش را به عنوان انرژی فراروانی تلقی می‌کرد. او باور داشت که نیروهای درونی افراد مسئول رفتار آدمی‌اند. زمانی که نیازهایی وجود داشته باشد انرژی ایجاد می‌شود. نیازها از طریق تغییر شکل یافتن به رفتارهایی که آنها را کاهش می‌دهند، ارضا می‌شوند. کاهش نیاز، لذت‌بخش است؛ زیرا افزایش انرژی، تنش‌زا و نامطبوع است. هدف انرژی، ارضای آن است. موضوع آن وسیله‌ای است که از طریق آن فشار ناشی از نیاز کاهش یافته و ارضا می‌شود و منبع به فرایندی بدنی اشاره دارد که انرژی را فعال می‌کند. به‌علاوه انرژی ممکن است سرکوب شود. به این معنی که افراد فشار را به نقطه‌ای ناشناخته می‌رانند. سرکوب، انرژی را حذف نمی‌کند بلکه انرژی سرکوب شده خود را به شکل‌های تحریف شده (مانند رفتارهای روان‌رنجوری) نشان می‌دهد. عقیده فروید مبنی بر اینکه ابعاد تفکر و رفتار ناخودآگاهانه هستند و افراد نمی‌توانند به آنها پی‌ببرند با علوم معاصر هماهنگی دارد؛ اما، فرض اینکه بیشتر انگیزش افراد از فشارهای درونی عمدتاً ناخودآگاه ریشه می‌گیرند به معنای کم اهمیت شمردن شناخت‌های شخصی و عوامل محیطی است.

کلمه مثال ۱۶: فروید، انگیزش را تحت چه عنوانی مطرح می‌کرد؟

- (۱) غریزه (۲) فرامن (۳) انرژی (۴) سائق

پاسخ: گزینه «۳» فروید انگیزش را به عنوان انرژی فراروانی تلقی می‌کرد.

کلمه مثال ۱۷: عمده‌ترین عیب مفهوم انگیزش در نظریه فروید چه بود؟

- (۱) غفلت از توجه به نقش هیجانات
(۲) توجه صرف به نقش غرایز
(۳) کم اهمیت شمردن عوامل شناختی و محیطی
(۴) غفلت از توجه به نقش اهداف

پاسخ: گزینه «۳» فروید با فرض اینکه بیشتر انگیزش افراد از فشارهای درونی عمدتاً از ناخودآگاه ریشه می‌گیرند، نقش عوامل شناخت‌های شخصی و عوامل محیطی را کم اهمیت شمرد.